

مبادی و اصول اجتماعی - عدم مداخله در امور سیاسی

حضرت بهاء الله



(11) عدم مداخله در امور سیاسی

عدم مداخله در امور سیاسی وجدانی دین از سیاست

- لیس لأحد أن يعترض على الذين يحكمون على العباد دعوا لهم ما عندهم وتوجهوا إلى القلوب

(حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 95)

- لسان قدم در این سخن اعظم میفرماید ای احبای حق از مفازہ ضیقہ نفس و هوی بفضاهای مقدسه احدیه توجه نمائید ابدأ در امور دنیا و ما يتعلق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جائز نه حق جل و عز مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جائز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد (حضرت بهاء الله، لوح ذبیح)

- آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده و احبای حق الیوم بمنزله مفاتیخند انشاء الله باید کل بقوه اسم اعظم آن ابواب را بگشایند. این است نصرت حق که در جمیع زبر و الواح از قلم فائق الأصباح جاری شده (حضرت بهاء الله، لوح ذبیح)

- ای احبای الهی باید سریر سلطنت هر تاجدار عادل را خاضع گردید و سده ملوکانه هر شهریار کامل را خاشع شوید. پادشاهان در نهایت صداقت و امانت خدمت نمائید و مطیع و خیرخواه باشید و در امور سیاسی بدون اذن و اجازه از ایشان مداخله ننمائید زیرا خیانت با هر پادشاه عادل خیانت با خداست (حضرت عبداله، الواح وصایا)

- احبای الهی را کاری باختلاف و اتفاق اولیای امور نه ابدأ چنین اذکار را حتی بر زبان نباید برانند. تکلیف احبای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلیحضرت پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین کمال تمکین و انقیاد بجمیع اولیای امور داشته باشند. ولی در بین آنان اگر برودتی حاصل چه تعلق باحبای الهی دارد "حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس". مقصود این است که احبای نباید کلمه‌ای از امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلق بایشان ندارد بلکه بامور و خدمات خویش مشغول شوند و بس. در فکر آن باشند که بخدا نزدیک شوند و برضای الهی قیام نمایند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبای ذکری از امور حکومت و دولت نماید که فلان چنین گفته و فلان چنین کرده آن شخص که از احبای



TABLET

الهی است باید در جواب گوید ما را تعلق باین امور نه ما رعیت شهریاری هستیم و در تحت حمایت اعلیحضرت پادشاهی. صلاح و مصلحت خویش خسروان دانند و بس

(حضرت عبدالبهاء، لوح ابن ابهر)

بهائی حقیقی در سیاست دخالت نمی کند

- نفسی از احباء اگر بخواهد در امور سیاسیّه در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره بکند اول بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق باین امر ندارد خود میداند (حضرت عبدالبهاء، لوح ابن ابهر)

- میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کسی در امور سیاسیّه مداخله کند و خارج از وظیفه خویش حرفی زند یا حرکتی نماید همین برهان کافیت که بهائی نیست دلیل دیگر نمیخواهد

(حضرت عبدالبهاء، لوح ابن اصدق)

محافل بهائی مسئول مشورت در مصالح کلیه است و همواره از امور سیاسیّه احتراز نمایند

ابداً در مجلس شور از امور سیاسیّه دم زنند بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلیّه و جزئیّه اصلاح احوال و تحسین اخلاق و تربیت اطفال و محافظه عموم از جمیع جهات باشند. و اگر چنانچه نفسی بخواهد کلمه ای از تصرفات حکومت و اعتراضی بر اولیای امور نماید دیگران موافقت نمایند زیرا امرالله را قطعاً تعلق بامور سیاسیّه نبوده و نیست. امور سیاسیّه راجع باولیای امور است چه تعلق بنفوسی دارد که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند. باری هیچ نفسی نباید که از تکلیف خود خارج شود (حضرت عبدالبهاء، لوح فرائض محفل شور)

فرد و تشکیلات بهائی به هیچ وجه مستقیم و یا غیر مستقیم